

دعوت همافران به پاسداری از انقلاب و رعایت نظم و قانون

۵۸/۴/۱۶

هموطنان عزیز میدانید که دشمنان جمهوری اسلامی ایران به انواع توطئه‌ها دست زده‌اند. در هر گوشه کشور آتش افروزی میکنند و دولت موقت جمهوری همه مساعی خود را صرف پاسداری از انقلاب و مبارزه علیه توطئه‌گران داخلی و خارجی مینمایند. وظیفه هر انسان انقلابی مؤمن حفاظت از این آب و خاک و پاسداری از این انقلاب مقدس است. امروز وقت محاسبه منافع خصوصی یا دسته‌ای نیست. امروز باید مؤمنین به انقلاب آماده جانبازی و فداکاری باشند نه آنکه بخاطر مصالح خصوصی خود ایجاد تشنج کنند و به مشکلات موجود بیفزایند و بدشمنان اسلام و انقلاب فرصت دهند که از این موقعیت سوء استفاده کرده و انقلاب را بیشتر بکوبند. ایمان به انقلاب و التزام به اسلام و وطن در این روزهای بحرانی معیارهائی دارد و مهمترین معیار اینست که هرکسی چقدر میتواند در راه انقلاب بدهد نه اینکه چقدر میتواند بگیرد.

دولت جمهوری اسلامی ایران از همه همافران عزیز میخواهد همچنانکه در روزهای بحرانی انقلاب فداکاری میکردند و همگام با جوانان دیگر ما از انقلاب پاسداری نمودند امروز نیز رشد فکری و انقلابی خود را نشان دهند و نظم و قانون را مراعات کنند و نمونه و مظهری درگذشت و فداکاری و انضباط برای دیگران باشند. همانطوری که میدانید خواست‌ها و پیشنهادات شما ملاحظه شده است و مقامات مسئول مسلماً تا حد امکان برای رسیدگی و تامین آنچه در شرایط حاضر ممکن باشد اقدام مینمایند.

دفتر نخست وزیر

پیام به اجتماع فرمانداران

۵۸/۴/۲۵

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان فرمانداران همکاران عزیز

ورودتان را به تهران و حضورتان را در وزارت کشور خیر مقدم میگویم. بسیار میل داشتم در اجتماع شما حاضر میبودم و از نزدیک صحبت میکردیم ولی ناچارم اکتفا به سلام و پیام نموده و کالت به آقای وزیر کشور بدهم. تصادف تاریخ بازیگ امانت دشوار و سهمی از افتخار را که از حساسترین مراحل بنیان گذاری جمهوری اسلامی ایران است بدوش آقایان گذارده است. یعنی اداره انتخابات مجلس ملی بررسی کننده و قطعی کننده قانون اساسی برای عرضه به آراء ملت. این خدمت، هم فعالیت و زحمت میخواهد، هم دقت و انضباط لازم دارد و هم عشق و صداقت.

شاید شهرت و بهره ای نداشته باشد ولی پیش خدا و نزد وجدان خودتان و در صفحات تاریخ مآجور و محفوظ خواهد ماند.

بر خلاف دوران استبداد، دولت نامزدهای فرمایشی ندارد و آراء ساختگی نمیخواهد. امکان رای برای همگان، آزادی صحیح انتخابات، جلوگیری از هرگونه دخالت و تحمیل و حفاظت صندوقها از اغتشاش و دستبرد، مطلوب بی چون و چرای دولت است. آبروی انقلاب و آینده ایران در این رهگذر حساس بستگی به ایمان و همکاری و فداکاری شما برادران برومند عزیز دارد.

امیدوارم سراپا مهیا و بیاری خدا موفق باشید.

دستان را میفشارم.

پیام سی تیر

۵۸/۴/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

برای اولین بار پس از ۲۷ سال در محیطی که از آن خودمان و خالی از خفقان است بیاد و تجلیل شهدای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ جمع میشویم، بر مزارشان فاتحه میخوانیم و بر مقامشان تعظیم میکنیم. همانگونه که امسال ۱۵ خرداد را بیاد آوردیم، مبعث پیغمبرمان و نیمه شعبان امام منتظرمان را جشن گرفتیم. و قبل از آن خاطره روز ملی شدن نفت و روز خلع ید را در جواستقلال و آزادی و شادی برپا کردیم.

همچنانکه میان واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و فاجعه ۱۷ شهریور ۵۷ شباهت و ارتباط وجود داشت، میان انقلاب پیروز اخیرمان با قیام ۳۰ تیر سابقمان نیز تشابه و اتصال وجود دارد. همه جا شاهد زنجیر بهم پیوسته‌ای از حلقه‌های عشق و مبارزه و قیام و شهادت و پیروزی هستیم.

در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مانند سراسر دوران انقلاب سال ۵۷ ملت بپا خواست، فریاد برآورد و قربانی داد، ۲۶ نفرشان در ابن بابویه مدفون‌اند که بیشتر گمنام مانده‌اند. غیر از تهران مردم کثیری از شهرهای بزرگ چون اهواز، اصفهان، تبریز، کرمانشاه، و جاهای دیگر بکوچه و خیابان ریخته همصدابا آزادیخواهان و استقلال طلبان اعتراض به انتصاب قوام السلطنه بجای دکتر مصدق که از طرف شاه بعمل آمده بود کردند. اعتراض با دست خالی در برابر باتوم و مسلسل و تانک.

چون خواست ملت حق و هدف عالی بود، وحدت کلمه و آمادگی تا سرحد شهادت داشتند و قیام یکپارچه کردند شاه و قوام السلطنه یا به بیان دیگر استبداد کهن داخلی و استیلای خارجی ناگیر به تسلیم شدند. ورق برگشت و ملت نخست وزیر مطلوب خود را بکرسی حکومت نشاند.

صد افسوس که در اثر علل و عوامل گوناگون پس از یکسال و یک ماه استبداد و استیلاي زخم خورده انتقامجوی بتلافی برخاسته با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ با قدرت و سلطه بیش از گذشته مدت ۲۵ سال ملت را خانه نشین و خفه ساختند.

اما خاطره پیروزیها و شکست‌ها زنده ماند. شعله‌های حقپرستی و استقلال و آزادیخواهی در دلها و زبانها افروخته ترمیگشت و واقعه ۳۰ تیر ۳۱ در مقیاس بسیار وسیعتر و چهره خونین درخشانتر در ۱۵ خرداد ۴۲ تجدید گردید و هفده سال پس از آن با خلوص و وحدت کاملتر تحت لوای «لا اله الا الله» و بانک «الله اکبر» با استقبال از محرومیت و شهادت و با سلاح برنده اعتصاب برهبری زعیم عالیقدر امام خمینی در نیمه دوم سال ۵۷ انقلاب عظیم اسلامی و جهانی ایران جلوه گر گردید.

پیروزی انقلاب و جهاد عمومی برای استقرار جمهوری اسلامی تماماً میراث و مدیون مبارزات و تلاشها و رنجها و فداکاریهای گذشتگان است. وظیفه انسانی و ایرانی و اسلامی ما حکم میکند درود گرم و پاکی نثارشان کنیم و از خداوند رحمن بخشش و رحمت برای آنها و توفیق و سعادت برای خودمان مسئلت نمائیم.

ملت ایران به خود و بدنیا، چه دوست و چه دشمن، ثابت کرده است که طومار ۲۵۰۰ سال استبداد و قبول اسارت و ننگ و اطاعت را در هم پیچیده است. نه حاضر به بازگشت است و نه در راه استحکام پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی تردیدی دارد و دریغ از فعالیت و فداکاری مینماید.

الحق که در چهل سال اخیر نسل دیگر و ایران نوینی در شرف تکوین بوده است. شاه و وابستگان و مزدوران رنج بیهوده میکشند و خیال خامی برای بازگشت به ایرن در سر میپرورانند. اسرائیل و حامیان امپریالیستی او و کلیه بداندیشان خارجی و داخلی نیز در اشتباه و زیان اند. حاصلی جز بی‌آبرویی و نخستگی نخواهند داشت. افکار عمومی ملت‌های خودشان و جهان را علیه خویش و به تاسی و تقویت انقلاب ایران بیش از پیش خواهند انگیخت.

نگاه ما، امید ما و اطاعت ما بسوی خدا است،

تکیه و تصمیمان بسوی خودمان است،

خدا با ما است، مادام که با او و با خودمان باشیم.

تشکر از ارتش و پاسداران

(۱۳۵۸/۵/۲۸)

جناب دکتر مصطفی چمران معاون نخست وزیر در امور انقلاب، تیمسار سرتیپ ولی فلاحی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، جناب عباس زمانی (شریف) فرمانده عملیاتی سپاه انقلاب، بدنبال عزیمت به کردستان در روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ماه ۵۸ و در اثر شهامت و درایتی که در تمشیت و تحرک پاسداران و نیروهای ژاندارمری و ارتش ابراز داشتید توانستید به فضل الهی و به همت و قداکاری افسران و سربازان و پاسداران شهر پاوه را از محاصره و تصرف متجاوزین و مزدوران ضدانقلاب درآورده ارتفاعات و مناطق آن حدود را از لوٹ جنایتکاران پاکسازید. بدین وسیله شکر خدا را به جا آورده مراتب از خود گذشتگی و خدمات آقایان را تقدیر می نمایم، به خانواده های شهیدان از دست رفته تسلیت می گویم و برای جمهوری اسلامی ایران استقرار و سربلندی مسئلت می نماید.

سرکار ستوان سوم حسن یوسفی فرمانده پاسگاه ژاندارمری پاوه که در این جریان وظیفه شناسی قابل تمجیدی تا سرحد از دست دادن جان ابراز داشته است بدرجه ستوان دومی نائل میشود.

پیام بمناسبت عید سعید فطر

(۵۸/۶/۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

در طلوعه عید فطر بهمه روزه گیرانی که بقصد طاعت خدا با تحمل گرسنگی و خستگی و گرما ماه مبارک را پایان رسانده اند صمیمانه تبریک می گویم و از خداوند کریم قبولی عبادات و دعاهایشان را مسئلت مینمایم.

علی (ع) میفرمود: روزه را دوشادی در پی است یکی هنگام افطار و دیگری رویارویی با پروردگار. خدا را شکر که ماه رمضانمان با مژده عید فطر و وعده خوشنودی او خاتمه یافت. شکر و شادی دیگرمان تحمل شجاعانه مشکلات و مصائبی است که در این ماه بدنبال و به تناسب انقلاب بزرگ و در سر راه استقرار پرافتخار جمهوری اسلامی داشته، سر بلند و سعادت مند بیرون آمده ایم، روزه رشد ایمان و اراده انسان توأم با صبر و تزکیه و توسل است که به تقرب آستان حق منتهی میگردد. شرط کمال انقلاب و وصال جمهوری اسلامی نیز همانها است. به برادران و خواهرانی که در هر دو میدان مخلصانه وارد و پیروزمندان خارج شده اند و بکلیه کسانی که در کار و اندیشه و دل با ما همگامی داشته اند تهنیت میگویم و تشکر میکنم. درود گرم به شهیدان و رنج دیدگان خودمان و همچنین به شیعیان آواره شده جنوب لبنان میفرستم و در موضع استجاب دعا بار دیگر آزادی و محبت و خیر و سعادت برای همگان در این رهگذر پرافتخار تاریخمان را آرزو مینمایم.

پیام در مورد تخصیص درآمد یکروز نفت به استانها

(۵۸/۶/۱۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

بدنبال اعلام مورخ سی و یکم مرداد رهبر عالیقدر انقلاب امام خمینی که با نظر دولت عایدی یکروز فروش نفت را به برادران کرد هدیه فرموده بودند (و قبلاً نیز یکروز به خود خوزستان اختصاص داده بودیم)، خوشبخت است به اطلاع هموطنان عزیز برساند که با توجه به همبستگی ملی و دینی و پیوند وحدت و نیازمندی که بحمدالله علیرغم بدخواهان و دشمنان در کشور حکمفرماست دستور داده شد کلیه استانها از این سهمیه ملی برخوردار گردند و عایدی خالص یکروز فروش نفت خام که در شرایط تولیدی حاضر معادل چهارصد میلیون تومان میشود، به مصرف طرحهای عمرانی و خدمات عمومی استان از قبیل راههای روستایی و ناحیه‌ای، کشاورزی، خانه‌سازی، بیمارستان، مدرسه، آب، برق، بهداشت، امداد و غیره برسد و از طریق وزارتخانه‌های دولتی، جهاد سازندگی و شوراهای محلی با حداقل تشریفات و حداکثر امکانات اجرا گردد، بدیهی است که اولویت و جدیت بیشتر در مورد استانهای دورتر و محرومتر خواهد بود.

پیام بمناسبت افتتاح مدارس

(۵۸/۶/۳۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیز و نورچشمان ایران— گشوده شدن درهای مدارس بروی شما در صبح فردا و قدم گذاردنتان را به کلاسهای درس و کار تیریک میگویم و از آفریدگار دانای توانا برایتان سلامتی و سودمندی و سعادت میطلبم.

بپدران و مادرانتان، به معلمین، به مسئولین آموزش و پرورش سراسر کشور و به ملت ایران نیز از طرف دولت موقت جمهوری اسلامی اولین سال تحصیلی بعد از انقلاب را تبریک میگویم.

شکر خدا را بجا میآوریم که به این مرحله مبارک رسیدیم. از مهرماه گذشته تا بحال سال پرتلاطم پرافتخار و پرباری را پشت سر گذارده ایم. سالی که چون مفصل تاریخ وارث کوشش ها و مبارزات و شهادتهای بیش از نیم قرن بود و ضمناً ارث گذار وظایف و خدمات برای آینده نزدیک و دور.

ملت ایران بحول و قوه الهی و برهبری مرد نمونه سرسختی و تصمیم و توکل یعنی امام خمینی نظام جبار ریشه دار تنومندی را از اوج شوکت بزمین نکبت انداخت و سرنوشت خویشتن را بدست خود گرفت.

اینک بار کوه پیکر اداره مملکت در صحنه پهناور مکانی و زمانی آن بدوش خودمان و خودتان افتاده است. باری که اگر با دانائی و توانائی بصرمنزل سعادت نرسانیم زندگی و سرنوشت و انقلابمان را تباه کرده ایم.

شما بفراخور سنین خود شاهد و تاحدودی وارد در معرکه های انقلاب بوده اید، اگر در مرحله منفی و تخریبی انقلاب سهم کوچکی داشته اید در مرحله مثبت و سازنده آن سال بسال سهم بزرگتر و مسئولیت بیشتری دارید. سالهای احتمالاً پرتلاطم (ولی مسلماً) پرتلاش درپیش روی ما است. سالهای دورتر نیز بیکار و بی نیاز نخواهیم بود. کاروان حیات و تکامل

انسان در تقرب بخدا توقف و انتها ندارد. همکاری و همگامی شما نسل جوان با مردم ایران و جهان در این است که آینده دور را بسازید و آینده حاضر و نزدیک را مساعد برای تلاش و جهاد نگاهدارید.

از یکطرف با عشق و نیروی تمام به تعلیم گرفتن سواد و دین و فرهنگ و فن و به تربیت خودتان پردازید (که ماده اولیه و کارگرو سرباز این جامعه هستید) و از طرف دیگر توجه و تلاش فوق العاده برای حفظ نظم مدرسه و کلاس و دفاع از اولین خانه ای که مهمان و میزبان آن هستید بکار برید.

نگذارید که دشمنان ایران و انقلاب و اسلام با فریب دادن بی خبران و بکار گرفتن مزدوران کانونهای تحصیل و تربیت را بتمعطیل و فتنه بکشند و وسیله آشوب کشور بنمایند. به آموزگاران و دبیران محترم نیز سلام داده انتظار همت و همکاری کاملشان را در تربیت و خدمت به دانش آموزان و نظم و بهبود مدارس دارم. خداوند نگهدار و یاور و راهنمای همه باشد.

بخشنامه در مورد مسائل مربوط به جهاد سازندگی

(۵۸/۷/۱)

بخشنامه به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی:

نظر به لزوم بهترین استفاده از امکانات موجود سازمان‌های دولتی در امر جهاد سازندگی کلیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و موسسات دولتی موظفند موارد زیر را به اجرا درآورند:

۱- در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور این بخشنامه گزارشی از وسایل نقلیه خارج از رده خود به نخست‌وزیری، دفتر مرکزی جهاد سازندگی ارسال دارند، تا نسبت به تعمیر و استفاده از آنها اقدام گردد.

۲- از تاریخ صدور این بخشنامه کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی موظفند قبل از اعلام هرگونه مزایده در تهران با دفتر مرکزی جهاد سازندگی و در استان‌ها با دفتر جهاد سازندگی استان مربوط تماس بگیرند و فهرست کامل اقلام مورد مزایده را در اختیار دفتر جهاد سازندگی قرار دهند.

اعلام هرگونه مزایده از تاریخ صدور این بخشنامه بایستی موکول به امضای مدیر اجرایی جهاد سازندگی در مرکز و یا استانها از نظر بررسی قبلی و اعلام عدم نیاز به اقلام مورد مزایده باشد.

این بخشنامه کلیه مزایده‌هایی را که قبلا اعلام و تاریخ اجرای آنها بعد از تاریخ صدور این بخشنامه میباشد نیز شامل میشود.

۳- دفاتر جهاد سازندگی در تهران و کلیه استانها موظفند با همکاری داوطلبین و استفاده از امکاناتی که مردم و سازمان‌های دولتی و ارتش در اختیارشان قرار میدهند نسبت به تعمیر و راه‌اندازی ماشین‌آلات و وسایل فرسوده و از کار افتاده اقدام نموده به بهترین نحو ممکن در عمران و سازندگی روستاها استفاده بعمل آورند.

پیام در مورد جهاد سازندگی

(۵۸/۷/۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله لمع المحسنین. «عنکبوت ۶۹»

درود بر شهدای جهاد سازندگی که در مرحله‌ی دوم انقلاب با هدف ساختن جامعه توحیدی، جان برکف نهاده شربت شهادت نوشیدند. سلام بر همه خواهران و برادران دانشجو و دانش‌آموز که با شور و اشتیاق الهی و انقلابی خود، برای خدمت به برادران و خواهران محروم در روستاهای دورافتاده کشور مشغول خدمت گردیدند. سلام بر همه هموطنانی که پیروزی مرحله سازندگی انقلاب را نیز همانند مرحله تخریبی آن ارج نهادند. و بدنبال واژگون ساختن نظام ظلم، برای برپاداشتن نظام عدل جهاد کرده‌اند. توفیق برای همه گروه‌های اجتماعی که در این نهضت مقدس با اخلاص و ایثار همکاری و مجاهدت نمودند. تشکر از تمام کارمندان دولت و همکاران عزیزی که داوطلبانه و موقتاً میزهای ادارات را رها کرده‌اند و بخدمت مستقیم و مفیدتری به هموطنان خود پراخته‌اند. تسلیت و تهنیت دولت به تمام خانواده‌هایی که جوانانشان در این جریان شربت شهادت نوشیده‌اند، و یا خدمات و خسارات مختلفی را متحمل گردیده‌اند.

اینک که حدود سه ماه از دعوت رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران و پنج ماه از آغاز برنامه‌ریزی برای طرح جهاد سازندگی میگذرد، لازم است گزارش کوتاهی از آنچه در این مدت انجام گرفته است بسمت عزیزان ایران داده شود.

۱- بکلیه ادارات و سازمانهای دولتی ابلاغ شد که همکاری صمیمانه و تامین وسایل مورد نیاز جهاد سازندگی را در حدامکانات خود بنمایند.

۲- بکلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ابلاغ شد که برای انتقال کارمندان داوطلب دولت به جهاد سازندگی موافقت نمایند.

۳- به ارتش جمهوری اسلامی خصوصاً تاکید شد در همکاری و تامین پرسنل و وسائل

و تجهیزات مورد درخواست طرحهای سازندگی علاقمند باشند و همینطور هم شد.

۴- تصویب و ارسال ۲۰ میلیون تومان برای هر استان کلاً مبلغ چهارصد و هشتاد میلیون تومان.

۵- تصویب مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار برای نیازهای ضروری روستاها از طریق جهاد سازندگی.

۶- در اختیار قرار دادن آنقدر از اعتبار مربوط به درآمد یک روز نفت که جهاد سازندگی میتواند در هر استان جذب کند.

۷- ایجاد شوراها و دفاتر جهاد سازندگی در استانها با کمک و همکاری نمایندگان امام و نمایندگان دولت.

۸- تهیه اساسنامه جدید جهاد سازندگی که اجازه توسعه و سرعت فعالیت‌های برنامه‌ها و طرح‌های آنرا بنحو بهتری ممکن میسازد.

۹- ایجاد سازمان لازم برای چاپ مجله جهاد سازندگی که هدفش پیوند بیشتر دادن مردم شهرها و روستاها توأم با انگیزش و آموزش در جهت هدفهای جهاد سازندگی و آگاه کردن مردم از فعالیت‌های انجام شده است.

۱۰- دریافت حدود ۳ میلیون تومان از طرف مردم برای کمک به امور جهاد سازندگی.

۱۱- اعزام هزاران خواهر و برادر مجاهد دانشجو و غیر دانشجو به روستاها و نقاط کشور.

حاصل فعالیت‌های فوق‌بطوریکه بترتیب در شماره‌های مجله جهاد سازندگی و گزارشهای بولتن‌های هفتگی دفاتر جهاد سازندگی استانها آمده است ساختن و تعمیر صدها کیلومتر راه‌های روستائی و پل‌های لازم و صدها محل استفاده عمومی مانند حمام، مدرسه، درمانگاه، مسجد و غسلخانه با اجرای صدها پروژه حفرچاه، نصب مخزن لوله کشی آب و ده‌ها سدخاکی در روستاهای کشور و برق‌رسانی و نصب پایه‌های برق و تاسیسات لازم در نقاط و روستاهای بدون برق بوده است.

علاوه بر اینها لای‌روبی بیش از صدها قنات در نقاط خشک ایران مانند سیستان و بلوچستان و کرمان و سمنان و اصفهان انجام گرفته است. ارسال صدها تن مواد غذایی برای نقاط محروم و یا جنگ‌زده مانند سیستان و بلوچستان و شهرهای پاوه و مهاباد و مریوان نیز از دیگر اقداماتی است که صورت گرفته است. خدمات درمانی، بهداشتی و داروئی و دامپزشکی و حتی جراحی با اعزام گروه‌های پزشکی از تهران پمراکز بعضی از استانها به روستاها مخصوصاً به سیستان و بلوچستان و کردستان و برنامه‌ریزی برای مبارزه با اعتیاد، مداوا و واکسینه کردن گروه‌های عظیمی از روستائیان، بهداشتی کردن آب آشامیدنی

چشمه‌ها و چاه‌ها در روستاها از جمله فعالیت‌های گروه‌های داوطلب جهاد سازندگی بوده است. تشکیل صدها کلاس احداثی اسلام‌شناسی و سوادآموزی، آموزش فنی و حرفه‌ای و حتی کلاسهای تقویتی برای شاگردان تجدیدی برای خواهران و برادران نقاط مختلف کشور و نمایش اسلاید و فیلمهای آموزنده هنری و اخلاقی و تاسیس کتابخانه‌های کوچک در روستاها و کمک‌های کشاورزی در مقیاس وسیع از همکاری در برداشت محصول بصورت دستی یا با کمباین و همکاری در شخم‌زدن زمین تا توزیع کودشیمیائی و مبارزه با آفات از جمله فعالیت‌های انجام شده است. علاوه بر فعالیت‌های فوق، برنامه گسترده‌ای جهت تحقیق و شناختن نیازهای روستاهای کشور و ایجاد زمینه‌های لازم برای همکاری و مشارکت خود روستائیان در ساختن جامعه و محیط زیست خود را میتوان نام برد.

تعریض کوچه‌های دهات، تبدیل حمام‌های خزینه‌ای به حمام‌های دوش‌دار و ساختن و مرمت منازل روستائی نیز از فعالیت‌های دیگری است که در روستاها انجام گرفته است.

با وجودی که فعالیت‌های فوق انجام گرفته است و هر روز دامنه و توسعه بیشتری پیدا میکنند لیکن خرابی و جدائی روستا از شهر و محرومیت روستاها و نقاط دور افتاده مملکت آنقدر وسیع است که نیازمند توجه و بودجه و تلاش و ابتکار بیشتری است. بدین جهت بودجه مخصوص عمران استانهای مختلف کشور از محل درآمد صادرات یک روز نفت و معادل ۴۰۰ میلیون تومان تخصص داده و تصمیم گرفته شده است که تا هر حدی که جهاد سازندگی هر استان توانائی صرف آنرا در اجرای طرحهای سازندگی مملکت داشته باشد در اختیارش قرار داده شود.

بنابراین امیدوارم که جهاد سازندگی خود را بنحوی سازمان دهد که بتواند موثرتر از هر زمان دیگر با اجرای طرحهای عمرانی بپردازد، و قادر به استفاده از کلیه منابع مالی و انسانی موجود گردد. برای این منظور هم از کارمندان محترم و همکارانم در ادارات و هم از داوطلبین و دانشجویان عزیز و فداکار علاوه بر تشکر، دعوت میکنم که برادر وار و واقعینانه یکدیگر را پذیرفته و تحمل نمایند و با همکاری صمیمی و منظم و منضبط و پرتلاش خود، هرگونه عدم تفاهم و عدم ارتباط سازنده را از میان بردارند. و با ایجاد کمیسیونهای مشترک ادارات و جهاد سازندگی در هر سطح کشور از مرکز تا شهرستانها سعی کنند، نقشه اجرایی و استفاده از وسایل و منابع قابل استفاده را مورد ارزشیابی و برنامه ریزی قرار دهند. و بامید خداوند و باوحدت هماهنگی لازم و بدور از هرگونه دخالت مخرب در جهت رفع نیازهای مملکت گام بردارند. بامید ایجاد و استقرار کامل جمهوری اسلامی و جامعه سراسر حرکت و برکت و برادری.

خطابه هیئت دولت به امام بمناسبت روز هجرت از نجف به پاریس (۵۸/۷/۱۰)

بسم الله الرحمن الرحيم

برای هیئت دولت بسی افتخار و مسرت است که در تقارن شب ولادت با سعادت حضرت ثامن الائمه علیه السلام با سالروز هجرت تاریخی از نجف به پاریس برای عرض سلام و تبریک بحضورتان آمده دوام سلامتی و توفیقتان را از خداوند سبحان تمنا مینمائیم.

در آن زمان که دولت همسایه تغییر رأی داده ادامه اقامت آیه الله العظمی و رهبر شیعیان جهان را در عراق مشروط به ترک فعالیت سیاسی و خودداری از ملاقات و ارسال پیام برای ایرانیان مینمود، چه آنها و چه امام نه میدانستید که فردا کجا خواهید رفت و نه میدانستید چه خواهید کرد و چه خواهد شد که «وماتدري نفس ما ذاتکسب غداً»

ماندن در کشوری که خاطر دشمنان را ترجیح به خواسته های ملت همکیش و رهبر آنان داده بود نمیتوانست جایز باشد. و آنچه نباید کرد ترک فعالیت سیاسی و دست برداشتن از ارشاد مردم در مبارزه علیه شاه بود.

تن به خروج داده گذاشتید بمرز کویت برای تحویلتان به ایران ببرند و چون تقوی و توکل بخدا داشتید تقدیر الهی راه دیگر و روزگار بهتری را پیش پایتان گذارده سرازیر پاریس درآوردید. «ومن يتوكل على الله يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدراً.»

در آن سوی دنیا کشور و مردمی پیدا شدند بیگانه با ملت و مذهب ما و برخوردار از استفاده های اقتصادی و سیاسی سرشار از قبل دستگاه شاه جبار. ولی چون جوهر آزادی و آزادگی و انسانیت داشتند قدم شما را بخاک خود دریغ نکردند. سهل است که بزودی اجازه دادند خبرنگاران مصاحبه ها کنند و مردم ایران رفت و آمدها، برای کسب فیض و الهام و دستور نمایند.

هجرت از نجف به پاریس انظار دنیا و راه ایرانیان را بسوی شما باز کرد. دیری

نگذشت که اولیها تأیید کننده و تحسین کننده گشتند و دومی ها فدائی و فرمانبردار دولت افتخار دارد که یکی از همکارانش در آن روزهای تاریک همسفر رنج و راحتی و یار کمک کار مشاور گشت.

از زمان بازداشت در قم و اعزام بزندان تهران در ۱۳۴۲ و سپس تبعید به ترکیه و عراق تارحل اقامت موقت در دهکده «نوفل لوشاتو» در حومه پاریس مهاجری بودید تسلیم رضای خدا و در راه خدا و سرنوشتتان تحقق درخشان آیه:

ومن یهاجر فی سبیل اللّٰه یجد فی الارض مراغماً کثیراً وسیعاً.

دهم بهمن ماه ۱۳۵۷ شب قدری شد که مبارزات هفتادساله ملت ایران علیه استیلای خارجی و استبداد داخلی را رقم پیروزی زد و این سیر و سلوک نقطه عطف و برگردان صفحه تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران شد.

دوران پربرکت پاریس بیش از ۴ ماه طول نکشید و وقتی در بحبوحه قدرت و غرور شاه صحبت از مراجعت به ایران کردید ارادتمندان و دوستان غرق در نگرانی و خواستار تأخیر شدند. اما ندای ایمان و اعتقاد راسختان به انجام رسالت الهی گوش به این نگرانی و نصایح نداد.

در ۱۲ بهمن ماه ۵۷ وارد تهران و مواجه با عظیم ترین استقبال و اشتیاق مردم ایران گشتید.

همه ملت، از چپ و راست، اعم از شهادت دیدگان، مبارزین صفوف اول و آخر؛ با شعار اسلامی یا ملی، دلسوختگان و علاقمندان به آزادی و امنیت و هموطنان اهل کتاب، در این شور و شوق و در راه پیمانیهای بی نظیر قبل و بعد از آن مخلصانه شرکت داشتند. اینها بجز آن تعداد ۱/۵ درصد که در رفواندوم نقاب از چهره برداشتند دروغ نمیگفتند. زیرا که قاطبه مردم در قشرهای گوناگون از فساد و فشار همه جانبه پنجاه سال سلطنت فرعونیی آن پدر و پسر بتنگ آمده بودند. در قیام و هجرت امام هم راتحه عدالت اسلامی را استشمام و طلب میکردند، هم آزادی از استبداد، هم استقلال و رهائی از استیلا و استثمار خارجی و هم انسانیت و امنیت را. اگرچه بعداً سوءتفاهم ها و بی مهری هائی پیش آمد که امید جبران آنها داریم.

مردم ستمکشیده ایران از بازاری و روحانی، اداری و دهاتی، کشاورز و کارگر، سرباز و افسر در چهره امام و در قیام او مجموعه خواسته های خود را می دیدند و یک زندگی و کشوری که تعلق بخدا و خلق داشته همگی محترم و برخوردار از آزادی و امنیت بوده و حق مشارکت در امور مملکت (بدون اختصاص و انحصار) داشته باشد میخواستند و میخواهند. صمیمانه گرویدند، دست بیعت دادند و پیوند ارادت بستند. در این بیعت و اطاعت، هم محرک بدینی وجود داشت، هم محرک ملی و هم فکری.

از ورود باشکوه بتهران و نصرت الهی تا رؤیت «یدخلون فی دین الله افواجا» پنج

روزی نگذشته بود که باز با اعتقاد برسالت الهی و استقبال حوادث نامزد دولت خود را معرفی فرمودید. نظام شاهنشاهی در ۲۱ بهمن سرنگون و دولت منتخب امام در ۲۴ بهمن معرفی گردید.

اعتماد شما بدولت و پذیرش و محبت اکثریت ملت، پیمانها و سرمایه های ما برای خدمتگزاری و فداکاری گردید و چیزی از آنچه در توان و امکان داشتیم فروگذار نکرده ایم. با امام و ملت خودمان در پیشگاه وجدان و خدا صادقانه بیعت کردیم و مادام که اعتماد و عنایت امام و مردم و کمک خالصانه ایشان با دولت در اجرای وظائف محوله و احراز قدرت لازمه توأم با طرد دخالت ها و نابسامانیها ادامه داشته باشد امیدواریم همان پیمان الهی و وعده پیروزی:

ومن یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً
شعار و مدار ما و همه مردم ایران باشد.

مصاحبه با خبرنگاری پارس قبل از سفر به الجزائر

۵۸/۸/۱۲

مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران به هنگام عزیمت به الجزیره برای شرکت در جشنهای بیست و پنجمین سالگرد انقلاب این کشور طی گفتگویی اختصاصی به پرسشهای خبرنگار خبرگزاری پارس درباره این سفر و هدف های آن پاسخ داد.

در پاسخ این سؤال که چرا در نخستین سفر خارجی خود در مقام نخست وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی ایران عازم الجزیره هستید و منظور از این سفر چیست؟ آقای بازرگان گفت: اولین سفر خارجی من میسبایستی برای شرکت در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد جهان به کوبا صورت میگرفت که دعوت هم شده بودم ولی به علت گرفتاری ها و ضرورت حضورم در ایران و نگرانی هائی که متأسفانه در آن زمان موجود بود نتوانستم به هاوانا بروم، ولی خوشبختانه و بحمدالله اوضاع مملکت طوری شده که این سفر برای من امکان پذیر شد و این حسن تصادف است که اولین سفر من به خارج از کشور برای شرکت در یک جشن آنهم جشن انقلاب است که ۲۵ سال از شروع و ۱۷ سال از پیروزی آن میگذرد و موفق به استقرار و استحکام خود در مملکت شده است. و خوشوقتی دیگر من این است که این جشن به کشور همکیش و برادر و مسلمان ما یعنی الجزیره مربوط میشود که باهم پیش از انقلاب و بخصوص بعد از آن روابطی در نهایت صمیمیت و علاقمندی و دوستی و تمایل به همکاری و دفاع از انقلاب داشته ایم و من امیدوارم که شرکت در جشن انقلاب یک کشور مسلمان عرب در واقع بمعنای شرکت در تمامی جشنهای ملل مسلمان اعم از عرب و غیرعرب و مردم عدالت خواه و آزادی خواه دنیا تلقی شود. با توجه باینکه مبدا انقلاب الجزیره از ما قدیمتر است، برای اینکه ۱۳۰ سال پیش یعنی درست از زمانی که فرانسویها قصد مستعمره کردن و تصرف الجزیره را داشتند شروع شده، در حالیکه انقلاب ما اگر به مبدا آن برگردیم فکر نمیکنم بیش از ۷۵ سال

از آن گذشته باشد، زیرا ما معمولاً مبدا انقلاب ایران را همان نهضت تنباکو (زمان ناصرالدینشاه) میدانیم و اتفاقاً نهضت تنباکو هم پدیده ضدخارجی بود، البته ضداستعماری، زیرا انگلیسها و روسها در آن زمان ایران را مستعمره نکرده بودند، نهضت تنباکو نهضت ضداستیلائی خارجی بود، زیرا در آن زمان خارجیها قصد تجاوز نداشتند بلکه قصد تسلط داشتند. بهرحال انقلاب الجزیره نسبت به ما قدیمتر و هیجان آورتر است. از انقلاب ایران بیش از یک سال نمیگذرد، بنابراین آنها از ما جلوتر هستند کما اینکه الان ۱۷ سال است که وارد مرحله سازندگی دولت جمهوریشان شده‌اند. دولتی که اسمش را گذاشته‌اند دولت جمهوری دمکراتیک مردم الجزیره.

در مورد وجوه اختلاف انقلابهای الجزیره و ایران میتوان گفت: با اینکه انقلاب هر دو کشور انقلابی است اسلامی ولی یک اختلاف عمده وجود دارد و آن این است که انقلاب ما در عین اینکه ضداستیلائی خارجی بوده، مخصوصاً در مرحله اول (دوران نهضت تنباکو) و همچنین در مرحله ما قبل آخر که به رهبری مرحوم دکتر مصدق صورت گرفت مقاصد و هدف عمده ضداستبدادی هم داشته است.

در ایران استبداد، ریشه ۲۵۰۰ ساله دارد، در حالیکه استعمار اصلاً نداشته‌ایم و استیلائی خارجی نیز ریشه ۲۰۰ ساله دارد و آنچه استعمار یا استیلائی خارجی در ایران انجام داده با همکاری و اتکای به استبداد بوده است و بدین ترتیب است که انقلاب ما ۱۰ انقلاب الجزیره اختلاف دارد. انقلاب ما جور و رنج ضداستبدادی را همیشه داشته و نهضت تنباکو نیز تا حدودی علیه ناصرالدین شاه بوده و برای همین هم خیلی از آن متوحش و خشمگین بوده است، زیرا این نهضت در واقع علیه پیوند اقتصادی بوده که ناصرالدین شاه برای تحکیم سلطنت و دولت خودش با یک کمپانی انگلیسی برقرار میکرده است. حتی امروز هم بیشتر صدماتی که ما میخوریم چه در داخل و چه در خارج اثر و بقایای استبداد است که ریشه ۲۵۰۰ ساله در عروق و خون ما دارد.

س — چه تجاربی میتوان از انقلاب الجزیره برای پیشرفت و پیشبرد هدفهای انقلاب اسلامی ایران بدست آورد؟

ج — میتوانم بگویم البته مرحله منفی انقلاب ایران و الجزیره طی شده و مرحله منفی هم در هر کدام نوع خاصی بوده باین ترتیب که انقلاب الجزیره بیش از یک میلیون نفر کشته داده بود و از اول جنگجویانه و مسلحانه عمل میکرده ولی انقلاب ما در مرحله منفی و اولیه اش بیشتر روی شهادت و مقابله غیرمسلحانه علیه نظام تکیه داشته است و به همین جهت انقلاب ما در دنیا بی نظیر بوده است.

پیروزی ما سریع و تلفات ما به نسبت سرعت در پیروزی الحمدلله بسیار کم بود ولی انقلاب الجزیره هفت سال طول کشید. به هر صورت حالا ما در مرحله مثبت و سازندگی

میتوانیم به انقلاب الجزیره توجه و نظر داشته باشیم، چرا که در الجزیره پس از پیروزی انقلاب سعی کردند دشمنیها و حسابهای گذشته را کنار بگذارند و با آنکه اختلافات مابین قطبهای قدرتهایتان در ابتدا بود ولی بسزودی این اختلافات را یک طرفه کردند و تشکیل دولت دادند، آنهم دولت مسلط مقتدر و به اداره مملکتشان پرداختند و دیگر علیه حزبی که دنباله همان جبهه آزادیبخش بود و آزادی را بیار آورده بود مخالفتی نکردند. بعلاوه آنها بلافاصله پس از تشکیل دولت به اقتصادشان و بهبود آن پرداخته‌اند.

س — وجوه مشترک و اختلافات انقلاب اسلامی ایران و انقلاب الجزیره به نظر شما چیست و این وجوه در برنامه حکومتی دو کشور چگونه است؟

ج — این دو انقلاب البته تشابه زیادی باهم دارند، درحالیکه اختلافاتی هم دارند. مورد تشابه این است که مبنای هر دو و مقاصد هر دو تا حدودی میتوان گفت اسلامی است و انقلابی است که کشورهای عقب افتاده و کشورهای شرقی برای خروج از دوران اسارت و عقب افتادگی چندین قرن گذشته شان بعمل آوردند.

در مقایسه با ما به لحاظ مدیریت امور و گرداندن چرخهای اقتصادی و علمی و فنی الجزایر یها خیلی عقب تر و محتاجتر بودند، زیرا فرانسوی ها که رفتند الجزایر یها نسبت به ما در دوران پس از پیروزی در وضع بسیار مشکلی قرار گرفتند، چون مانند ما مالک و صاحب افرادی وارد و باتجربه که از سرمایه های بزرگ هر کشور است نبودند. مادر موقع ملی شدن نفت که انگلیسی ها ایران را تخلیه و ترک کردند با همان متخصصین ایرانی به استثنای یک نفر سری که برای آتش نشانی استخدام شد توانستیم این دستگاه را نگهداریم و به راه بیاندازیم. حالا هم ما نسبت به دولت الجزیره دوره بعد از پیروزیش خیلی جلوتر هستیم و این سرمایه های ملی خودمان را حیف است که از دست بدهیم، برای اینکه آنها سرمایه هایی هستند که هم سهمی در انقلاب ایران داشتند و هم سهم خیلی مفیدتری در حالت فعلی و آینده ایران میتوانند داشته باشند بشرط اینکه مردم نسبت به آنها هم به چشم برادری و ایرانی و هموطن و هم کیش نگاه کنند و هم قدر وجودشان را بدانند و از آنها هم بخواهند که واقعاً مشارکت و فداکاری کنند و حاضر به قبول همه زحمات و مشکلات و تحمل صدمات بشوند که خیلی از آنها شده اند و میشوند. اتفاقاً در وضع دوران پس از انقلاب ایران و الجزیره خیلی جهات تشابه دیگری هم هست و آن اینکه الجزیره بعد از انقلاب برای اینکه استقلال اقتصادی و خود کفائی داشته باشد قسمت اعظم بودجه خود را که از فروش نفت تأمین میشد برای صنایع مادر و سنگین مصرف کرد و به همین جهت الان نسبت به ممالک افریقائی همردیف خود پیشرفته تر است ولی مسلماً الجزایر در برنامه های دوم و سوم خود مواجه با این امر بود که عدم توجه به کشاورزی و عدم توجه به اقتصاد و فعالیت های بخش خصوصی و داخلی باعث تورم و ناراحتی و بیکاری فراوان میشود، از اینرو در برنامه های بعدی علاوه بر توجه به پیشرفت صنعت

به کشاورزی و بخش خصوصی هم خیلی توجه کردند. در مورد انقلاب الجزیره این نقطه را هم در ارتباط با سیاست خارجی آن باید گفت: در عین اینکه انقلابشان مبارزه علیه کشورهای ممالک اروپائی و امریکا بوده معذک روابط دشمنی و خصومت و مقابله و فرسوده کردن خودشان را در پیش نگرفتند. الجزایریها در عین اینکه اهداف اسلامی و ملی و سوسیالیستی خود را تعقیب میکنند با کشورهای عرب و مسلمان هم (البته با اختلافات کم و بیش و تفاوت‌های کمی) روابط صمیمانه دارند. مخصوصاً نسبت به ملت فلسطین و کشورهای غیرعرب و غیرمسلمان هم رو بهمرفته روابط محترمانه و مسالمت آمیز دارند.

ملاقات با برژینسکی

مهندس بازرگان نخست وزیر دیشب در گفتگوی کوتاهی با خبرگزاری پارس اظهار داشت: در مذاکراتیکه صریحا و روشن با برژینسکی مشاور ریاست جمهوری ایالت متحده امریکا در امور امنیت امریکا داشتم اعلام کردم که باید روش خود درباره ایران را نسبت به دوران شاه مخلوع تغییر دهد.

بازرگان که در برابر محل اقامت خود در الجزایر در پایان دیدارهای فشرده و پیاپی با برژینسکی از امریکا، محمد بن احمد عبدالغنی نخست وزیر الجزایر و حضرت حافظ اسد ریاست جمهوری سوریه با خبرنگاران سخن می گفت اظهار داشت که سه شنبه گذشته یعنی دو روز قبل از عزیمت من به الجزایر کاردار سفارت امریکا در تهران به من اطلاع داد که برژینسکی مایل است هنگام اقامت من در الجزایر ملاقات و مذاکراتی انجام دهد و امروز این دیدار و گفت و گو انجام شد. نخست وزیر مذاکرات خود را با مشاور رئیس جمهوری امریکا در امور امنیتی روشن و صادقانه توصیف کرد و اظهار داشت که در این مذاکرات موضوع قراردادهای گذشته ایران با امریکا و نیز چگونگی مناسبات و روابط دو کشور مطرح شده است. نخست وزیر گفت که برژینسکی رئوس مطالب طرح شده را برای مشورت با مقامات واشنگتن یادداشت کرده و قرار است پس از انجام این مشاوره، رئوس موضوع از طریق کاردار سفارت امریکا در تهران دنبال شود.

پیام تبریک بمناسبت جشن سالگرد انقلاب الجزائر

الجزائر— مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر عصر دیروز در اجتماعی از نمایندگان خبرگزاریها و مطبوعات کشورهای مختلف جهان که به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزائر به این کشور آمده اند و همچنین نمایندگان رادیو (جی-تی) پیام تبریک خود به مناسبت این جشن را در اختیار آنان گذاشت.

پیام مهندس بازرگان که به زبان عربی با حضور وزیران امور خارجه و دفاع ایران و نیز آیت اله مجتهد شبستری در تالار هتل «اورازی» الجزائر قرائت شد بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درود ملت و دولت ایران به ملت برادر و مسلمان الجزائر. خداوند متعال را سپاس میگویم، خوشوقت و مفتخرم که در جشنهای بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزائر شرکت کرده و حامل پیام امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران برای ملت برادر الجزائر هستم.

جشن بیست و پنجمین سالگرد این انقلاب با همه پیروزیها و دست آوردهای آن در دوران سازندگی و شکوفائی را به شما خالصانه تهنیت میگویم. همچنین از خداوند متعال ادامه موفقیت و پیشرفت برای این کشور و برای ملت عزیز الجزائر دوام نیکیبختی و رفاه مسئلت دارم. ایران در پی پیروزی انقلاب اسلامی است و ما بیش از پیش خود را در میان کشورهای صلح دوست و عدالتخواه جهان احساس میکنیم. اطمینان دارم که برادری و همکاری میان ایران انقلابی و الجزائر انقلابی نقش فعالی در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم و طغیان و نیز در جهت استقرار صلح و آزادی و عدالت در منطقه و در سراسر جهان خواهد داشت.

در این کشور میهمان نواز از استقبال بسیار گرم و حسن ضیافت برخوردار شدیم. از حضرت شازلی بن جدید رئیس جمهوری و آقای محمد بن احمد عبدالغنی نخست وزیر و دیگر مقامات و برادران گرامی صمیمانه تشکر میکنم و چشم به دیدار نزدیک حضرت رئیس جمهور از ایران و همکاری ثمربخش و سازنده میان دو کشور برادر دوخته‌ام. به خواست خداوند متعال. والسلام علیکم.

متن استعفا نامه

(۵۸/۸/۱۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی امام روح الله الموسوی الخمینی دامت برکاته،
با کمال احترام معروض میدارد پیرو توضیحات مکرر گذشته و نظر باینکه
دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت‌ها و اختلاف نظرها انجام وظائف محوله و ادامه مسئولیت را
برای همکاران و اینجانب مدتی است غیرممکن ساخته و در شرایط تاریخی حساس حاضر نجات
مملکت و بشمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد بدین
وسیله استعفای خود را تقدیم میدارد تا بنحوی که مقتضی میدانند کلیه امور را در فرمان رهبری
گیرند و یا داوطلبانی را که با آنها هماهنگی وجود داشته باشد مامور تشکیل دولت فرمایند.

با عرض سلام و دعای توفیق

مهدی بازرگان

•

موافقت رهبر انقلاب با استعفا
و انتقال مأموریت دولت به شورای انقلاب
(۵۸/۸/۱۵)

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب جمهوری اسلامی، چون جناب آقای مهندس بازرگان با ذکر دلائلی برای معذور بودن از ادامه خدمت در تاریخ ۵۸/۸/۱۴ از مقام نخست وزیری استعفا نمودند ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مامور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال و نیز شورا مأموریت در اجرای امور زیر را بدون مجال دارد.

۱- تهیه مقدمات قانون همه پرسی قانون اساسی

۲- تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی

۳- تهیه مقدمات تعیین رئیس جمهور

لازم به تذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم الشان باید امور محوله را خصوصاً آنچه مربوط است به پاکسازی دستگاههای اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی خانمان بطور انقلابی و قاطع عمل نمایند.

روح اله الموسوی الخمينی

فصل دوم

پیامهای عمومی رادیو تلویزیونی

www.KeleabFarsi.com

اولین پیام به ملت ایران

بعد از قبول نخست وزیری در دانشگاه تهران

(۵۷/۱۱/۲۰)

«توکلت علی الحی الذی لایموت والحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا»

قبل از هر چیز باید سپاسگزاری کنم از خدا و ابراز شادی که بعد از ۱۷ سال دوری و محرومیت و مظلومیت با پا گذاشتن به دانشگاه وارد خانه قدیمی خودم میشوم و در میان شما دانشگاهیان عزیز و ملت شریف، برای ادای صحبت و عرض سلام و ارادت در این مکان مقدس آمده‌ام که نه تنها لانه دانش و فن و علم بلکه خانه مبارزه و افشاندن بذر انقلاب امروز ما بود. دانشگاه، چنین افتخار و حق بزرگی دارد که هیچگاه بعد از ۲۸ مرداد ساکت و آرام نبوده. در آن دورانهای اختناق بعد از ۲۸ مرداد و بعد از جبهه ملی، در اختناق شدیدی که بر سراسر ایران حکمفرما بود، تنها مکانی که در آن اجتماع و اعتراض علیرغم مزاحمت، زندان، شکنجه و محروم شدن از درس و محروم شدن ابدی از شغل و زندگی تعطیل نشد و هر چند ماه اگر نگوئیم هر چند هفته فریاد مرگ بر شاه بلند می‌شد، دانشگاه بود که چشم و چراغ ایران بود. دانشجویانی که آن روز، یعنی در ۱۳۴۰، در برابر اعلام رفراندوم (و انقلاب به قول خودشان شاه و مردم) می‌گفتند: اصلاحات آری، دیکتاتوری نه، بتدریج تجربه و تکامل یافتند و به زودی فهمیدند که تا دیکتاتوری و استبداد هست اصلاح امکان‌پذیر نیست. تا اینکه یک دل و یک جان با همه مردم ایران و طبقات و قشرهای مختلف، یک ندا از این مملکت بلند شد و وحدت کاملی بوجود آمد و آن انقلاب ضد سلطنت و ضد نظام طاغوتی و استبدادی بود.

همین طور بسیار خوشحالم و شاکر خدا که در ۱۰ روز قبل وقتی دیدم روحانیت تهران و ایران، پناه به این مکان آورده‌اند و در مسجدی که در قلب دانشگاه برافراشته شده است تحصن اختیار کرده‌اند، بسیار خوشحال شدم و آرزوی دیرینه‌ام را که ۴۰ سال تلاش میکردم

تا بین این دو برادر اصیل و قدیم، یعنی دین و دانش پیوند بزنم محقق یافتم و بزرگترین مژده پیروزی و نجات ایران را در آن روز دیدم. دانشگاه ما صاحب مسجد است و در اینجا جوان و پیر، کلاهی و معمم، روشنفکر و مسلمان و روحانی همه باهم جمع شده‌اند. به این دلیل، این محل را بنده برای اولین سلام و پیام و عرض ارادت و برنامه‌ام انتخاب کردم.

هم‌چنین نمی‌توانم ذکر و سلامی به این همه مجاهدین و فداکاران و کشته‌شدگان و صدمه‌دیدگان و محرومان نکنم. کسانی که بار این مبارزه و انقلاب را بردوش کشیده‌اند و آیه شریفه «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء ولكن لا تشعرون» را عملاً اثبات کرده و نشان داده‌اند کسانی که در راه حق، در راه خلق کشته می‌شوند کشته نیستند، باقی و جاوداند منتهی ممکن است کسانی حس نکنند و نفهمند.

تشکر دوم، باز از خدا و از شما مردم تهران و ایران است در برابر این همه احساسات و محبت و عواطف و تأییدات که در ظرف این چندروز بعد از ابلاغ افتخارآمیز و بسیار سنگین و عظیم رهبر عظیم و عزیز ما آیت الله العظمی خمینی، به صورت راهپیماییهای عظیم، نامه‌ها، تلگرامها و آگهی‌ها در روزنامه، از مراجع تقلید عظام و روحانیت گرفته تا کارمندان و کارگران و اصناف و جوان و پیرو تمام طبقات رسیده و اعلام وفاداری به دولت انتخابی و ابراز خدمتگزاری در وظایف محوله کرده‌اند. بدیهی است بر هر کسی و از جمله بر این حقیر پوشیده نیست که این همه التفات و عنایت و احساسات، در مرحله اول مربوط به علاقمندی و احترام و پیروی و اطاعتی است که مردم ایران چه در تهران و در شهرستانها از خود جنبش و انقلاب می‌کنند و در مرحله دوم تأیید مکرر و مجدد و ابراز احترام و ادب و اطاعتی است که به تعیین کننده و نصب کننده‌ی بنده ابراز شده است. این احساسات و عواطف و عنایات، بزرگترین بار و بزرگترین وظیفه‌ای است که به دوش ناتوان من در عمر ۷۱ ساله‌ام گذارده شده است.

قبل از حرکت به اینجا، سروران عزیز توصیه می‌فرمودند که مانند یک جوان ۴۵ ساله صحبت کنم، از موضع قدرت حرف بزنم، اما چه میشود کرد.

ماموریتی هم که بعد از ظهر دوشنبه ۱۷ بهمن از طرف رهبری انقلاب داده شد، مبالغه نیست و یقیناً قبول دارید سنگین‌ترین بار، پرمخاطره‌ترین، دشوارترین و مشکلترین ماموریتی است که در عمر ۷۱ ساله مشروطیت ایران، به نخست‌وزیران و نامزدهای دیگر داده شده است.

نمی‌خواهم راجع به مخاطرات و مشکلاتی که در پیش است عرضی بکنم و وقتی بگیرم، خودتان می‌دانید و توضیح و تفسیر لازم ندارد.

مملکت در ظرف پنجاه و چند سال سلطنت پهلوی، به غارت و فساد و تباهی کشیده شده که مصداق کامل «واذاتولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک الحرث والنسل» است. یعنی منافقین و بدکاران وقتی ولایت و حکومت در زمین پیدا کنند برنامه‌شان از بین بردن

سرمایه‌های مادی و نسل میشود. و بزرگترین صدمه‌ای که اینها زده‌اند همان تضعیف و تخریب و از بین بردن شخصیتهاست.

ملت ما برای ابراز انزجار و به زانو درآوردن خصم لجوج، دست به اعتصاب و بازاربندیهای مکرر و فراگیر و همه جایی زد. سپس خیل کارمندان و کارگران به میل خود بآن پیوستند، اما این تعطیل کار و اعتصابها، قهراً بر پیکر اقتصادی و رمق حیاتی ما صدمات زیاد وارد کرد و همه چیز را بسته و ضایع نمود. دومرتبه به راه انداختن چنین ماشین کوه پیکر همان مثل معروف: «کار هر بز نیست خرمن کوفتن، گاو نر می‌خواهد و مرد کهن.» را تداعی میکنند. در برابر چنین مخاطرات و مشکلات، با توجه به بضاعت خودم و ناتوانی شخصی از یکطرف و این وظیفه شرعی و امر و اصراری که از ناحیه مراجع عالیقدر و رهبر ملت و اصرار دوستان میشد، عاجز و درمانده شدم، چاره‌ای نداشتم جز رو آوردن و توکل به خدا. در عالم ناامیدی و احساس حقارت و عجز است که بشر وقتی مضطرب از هرطرف می‌شود رو به خدا می‌آورد و اگر مومن باشد میداند که «فیکشف السوء» بدیها را برطرف می‌کند. کاری که من کردم و تعهدی که قبول کردم برسبیل همان برنامه و عمل بود که ملت ما و مخصوصاً رهبر عالیقدر ما، نصب العین خود قرار داده و با ایمان راسخ، اطمینان کامل و قبول محرومیت و فداکاری و توکل و اطمینان به پیروزی، این راه را ادامه دادند و اگر غیر از این بود تا به حال چندین بار شکست خورده بودیم. برعکس، همگی اطلاع دارید و شاهد و ناظر بوده‌اید در جریان این مبارزه بارها آنچه آرزو داشتیم انجام میشد و دشمن به دست خود راه برای ما می‌گشود و درهای پیروزی را باز می‌کرد. بنابراین، بازهم همان برنامه است.

وقتی صحبت از توکل به خدا می‌کنم، مقصودم انجام مستقیم امور نیست، نه ادعا و نه انتظار خرق عادت و خرق سنت و معجزه را دارم. در اعتقاد اسلامی ما به حکم آیات قرآن و به مصداق حدیث «ابی‌الله ان یجری الامور الا باسبابها» که خداوند امور و کارها را جز با اسباب و وسایل طبیعی و مادی انجام نمی‌دهد اولاً کار خدا و امداد خدا را بدون اسبابهای طبیعی و مادی نمی‌بینم و ثانیاً خدا و خلق را از هم جدا نمی‌دانم. علاقه خدا به خلق یعنی به شما، شما مردم اسباب کار و رحمت خدا هستید در امداد به ما و اصلاح اجتماع همفکری، همدلی، همکاری و همگامی شما مردم است که در سایه عزم و وحدت الهی اسباب توجه و توسل و توکل من خواهد بود.

نیت بنده و نیت دولتی که از آنها دعوت برای همکاری خواهم کرد این است که برای مردم ایران و خلق ایران کار کنیم. بنابراین متقابلاً از مردم ایران و خلق ایران انتظار و توکل داریم. شعار همیشگی آقا (امام خمینی) این بوده است که من زبان مردم، الهام از مردم می‌گیرم و برای مردم کار می‌کنم و در میان مردم هستم. اگر ما اسلام و دموکراسی را مترادف و پهلوی هم قرار دهیم، به همین معناست. بیان دیگری است از کلام خدا و خلق یا

خالق و خلق. خواسته خدا، خواسته خلق است و خواسته خلق با تقوی، خواسته خداست. بنابراین، حکومت جمهوری اسلامی ما «جمهوری دمکراتیک» است و جمهوری دمکراتیک واقعی و حقیقی نیز، اسلامی است. وقتی هم از خلق صحبت می‌کنم و این کلمه را ادا می‌نمایم همانطور که سراسر قرآن دلالت دارد توجه خاص و انحصاری به یک طبقه معین، با شغل و درآمد و مقام خاص و وظیفه خاص نیست. حتی در اسلام، وقتی از خلق و ناس صحبت می‌شود. اصرار به پیروان مرام مذهب خاص هم نیست. رحمت خدا واسع است و همه‌جانبه است. یک حکومت اسلامی نیز نظر انحصاری و خاصه خرجی به دسته و جمعیت و طبقه خاص ندارد، همه در سایه دولت هستند، مادام که راه حق را پیش می‌گیرند و قصد ظلم و فساد ندارند تحت حمایت و مورد عنایت هستند، چه اکثریت و چه اقلیت.

من در توجه به خلق، از حدود ایران و هم‌وطنان نیز فراتر رفته، از مردمی که در کشورهای اروپا و آمریکا و آفریقا و آسیا علاقمند و حتی کنجکاو در مبارزه و انقلاب ما شده‌اند تشکر می‌کنم. باید بدانید که ملت ایران انقلاب کرد. انقلاب نه به آن معنای تنها و انحصاری خشم و غضب و توهین و برهم زدن. بلکه انقلاب کامل درونی و دگرگونی خواسته‌ها و روحیات و استعدادها. آنقدر انقلاب ما بزرگ و فراگیر بود که از سرحدات ایران به خارج رفت.

فکر نمی‌کنم هیچ انقلابی در دنیا، این اندازه مثل انقلاب ایران، چشم و نظر و فکر و زبان مردم خارج را به خود جلب کرده و این طور بکرات سیل خبرنگار و عکاسان را به ایران گسیل داشته باشد.

این توجه و علاقمندی افکار عمومی دنیا، یک پا همکاری با مبارزه ایران بوده و تاثیر عملی داشته است. اگر فکر کنید که شاه و دستگاه استبدادی، چه پولها و چه ثروتها برای خریدن افکار و عواطف مردم اروپا و آمریکا خرج میکردند و هدر میدادند. ولی در نتیجه حقیقت و حقانیت مبارزه و انقلاب ما، توجه و همکاری اقشار و مطبوعات خارج چه حد با ما بوده است آن وقت به بنده حق میدهید از اینها نیز تشکر کنم زیرا که انقلاب ما، انقلاب دنیایی است و همه با ما شریکند.

در همین زمینه جا دارد یادی و ذکری از دولت و ملت و از مطبوعات فرانسه بکنم و سپاس ملت ایران را از مهمان‌نوازی که نسبت به عزیزترین و عظیم‌ترین پدر این مملکت و رهبر عظیم‌الشانمان کردند ابراز نمایم و فراموش نکنیم که بعد از این ملت فرانسه و دهکده کوچک نوفل‌لوشاتو، در تاریخ ایران ثبت ابدی خواهد گردید.

صحبت از همکاری تمام طبقات و دستجات و افکار و افراد کردم لازم است تأمل و توجه بیشتری بکنم. در عین اینکه چیز تازه‌ای نمی‌خواهم بگویم ولی باز شاید تذکرش لازم باشد. در جریان مبارزه، همه ما شاهد نمونه‌های درخشانی از همکاری و همبستگی بودیم.

تشکیل کمیته‌های داوطلب و بی‌نام و نشان که مثلاً در امر توزیع نفت، محله و منطقه‌ای را راحت می‌کردند. یا در خون رساندن به مجروحین و مصدومین و تدارک و توزیع پولها، اثبات انقلاب کردند. پریروز وقتی راجع به همین عرایضم با دوستان مشورت می‌کردم مثالی آوردند؛ یاد از خانمی می‌کردند که سه قرص مسکن در دست گرفته بود و به بیمارستان برای مداوای تیرخوردگان می‌برد. یا دیگری که یک شیشه نفت برای گرم کردن بیمارستان همراه داشت. این اعلامیه‌های وفاداری با دولت را بنده به منزله تعهد انجام خدمت و همکاری با دولت می‌گیرم.

اگر در گذشته کارمندان ما به طور کلی، به دلیل آنکه دولت‌ها را از خود نمی‌دانستند بی‌میلی و بی‌علاقگی و حتی فرار از کار و وظیفه نشان می‌دادند انتظار این است که با دولت منتخب رهبر خودشان و با کلیه دولتهای اسلامی برخلاف گذشته ده برابر فعالیت و ادای وظیفه کنند و انضباط و اطاعت نشان دهند. همین که دولت موقت سر جای خود مستقر شد و فرمان داد، بی‌چون و چرا، همگی به سرکار خود برگردند و کاسه گرمتر از آتش نشوند و چرخها و کارها را به جریان بیاورند.

خیلی علاقه‌مند و شایق بودم که کارمندان دولت و بخش خصوصی و هموطنان عزیز بازاری و کاسب و غیره، به میل و رغبت و انتخاب خودشان روزی را (هرچه زودتر بهتر) انتخاب و اعلام کنند و در آن روز همه سرکار خود بروند و به دولت و دنیا نشان دهند که تا بحال اگر کم‌کاری و بیکاری و بازاربندی و غیره بوده است (که متأسفانه مرض ساری و جاری شده) این به خاطر ظلم و ستم و ناحقی و بی‌قانونی است. همانطور که در سابق به عنوان اعتراض، بازار می‌بستیم و یا اعتصاب می‌کردیم و از کار دست می‌کشیدیم حالا برای اثبات موافقت خودمان و استقبال از دولت خودمان، یکروز تمام دکاکین و مغازه‌ها و ادارات را باز می‌کنیم و چراغ می‌گذاریم و چراغانی می‌کنیم و کار می‌کنیم.

حکومت اسلامی، حکومت برادری است و پیرو دستور یعنی همه شما رهبرید و همه شما مسئول رعیت. بنابراین همه موظفند. درعین آنکه همه کارمند و ساده‌اند همه دولتند، همه باید کار بکنند، حکم امر به معروف و نهی از منکر که از ستونها و شئون اسلام است دووجه یا دوپایه دارد. نهی از منکر پایه منفی و احتراز و مبارزه با خطا و نابخکاری است که باید همه انجام دهند. اگر دولتهای دموکراتیک و مکتب‌های آزادی‌خواهی خارجی به این حد از رشد رسیده یا ادعای رسیدن می‌نمایند که می‌گویند باید آزادی بیان و انتقاد باشد، اسلام به آنها نه تنها آزادی بلکه وظیفه انتقاد و بیان را داده است. فرمایشی از پیغمبر است که می‌فرماید آن قوم و ملتی که در آنجا حق ضعیف از قوی بدون لکنت و ترس و وا همه گرفته نشود آن قوم و ملت هیچوقت مقدس و پاک و درست نخواهد شد. امر به معروف جنبه مثبت این مسئله است. یعنی همه باید در این راه همکاری و خدمت کنند و در حفظ و حراست بکوشند. نامه‌ای دو

روز قبل از یکی از سفارتخانه‌های ایران در خارج رسیده بود که اطلاع داده بودند در اینجا مقدار زیادی اسناد مربوط به ساواک و ارتش بوده که آنها را برده‌اند و بازهم ممکن است اسناد و مدارک دیگری را نیز ببرند. برادران و دوستان بانکی و دارائی ما نیز صورتها و لیست‌هایی بیرون داده‌اند. تمام ایرانیان چه آن‌ها که در خارج هستند، چه آنها که در داخل وظیفه‌شان مراقبت و هوشیاری و حفظ و حراست و جلوگیری از دزدی و خروج این اسناد و اموال خواهد بود. این نکته را هم اضافه کنم که البته ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، هرج و مرج و خودرائی و خودکاری نیست، هرج و مرج و خودرائی، خودخواهی و طغیان و فساد است در دنیا هیچ نظامی، چه نظامهای زنده چه نظامهای غیرزنده بدون ضوابط و روابط و حفظ این ضوابط و روابط که در اصطلاح اداری می‌شود انضباط و اطاعت و هیرآرشی (سلسله مراتب) برقرار نخواهد ماند. یکی از شئون و شقوق امر به معروف و نهی از منکر همین رعایت انضباط و اطاعت است که فرمود:

«اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم.» تا اینجا آن جنبه مثبت همکاری بود که هر دولت ملی و اسلامی از همه انتظار دارد. ولی این همکاری یک جنبه منفی هم دارد که باید هرطور شده از آن احتراز جست و گرنه شالوده به هم خواهد ریخت. چند مورد را در این زمینه اشاره می‌کنم.

انتظار اینکه مملکت یک شبه ره صدساله به پیماید، خواسته‌ها فوراً و بطور کامل و صددرصد تأمین گردد، همه بدها بلافاصله، بدون رسیدگی و محاکمه، مجازات و بلکه اعدام شوند (چیزی که نه ممکن است و نه مصلحت) از بلاها و دردهای هر دولت ملی و اسلامی است. خصوصاً در دوران انتقالی و موقت. از حالا باید عرض کنم که از این بنده حقیر سراپا تقصیر انتظار «علی» بودن نداشته باشید. علی نیستم که همان شب اول بگویم: «معاویة از جای بلند شو». حتی انتظار عمل کردن مثل رهبر و مرجع عالیقدری که بنده را مأمور و مفتخر به این خدمت کرده‌اند و با عزم راسخ و ایمان و قدرت سر بزیر انداخته و بولدوزروار حرکت می‌کند و صخره‌ها و ریشه‌ها و سنگ‌ها را سر جایش خرد کرده و پیش رفته و می‌رود، این انتظار را هم از بنده نداشته باشید. بنده ماشین سواری نازک نارنجی هستم که باید روی جاده‌های اسفالت و راه هموار حرکت کنم و شما هم باید این راه را برایم هموار کنید.

دیگر از بیماریهای از بین برنده پیروزی و مبارزه، تصور اتمام آن و عدم آمادگی برای ادامه راه است. همانطور که ایشان (امام خمینی) هم فرموده‌اند. درست است که بگردنه رسیده‌ایم، آنروزی که شاه از ایران رفت واقعاً روز بزرگ و گردنه عظیم این راه طولانی بود. وقتی من بمنزل رسیدم لیوان آبی خوردم و بخود گفتم:

دمی آب خوردن پس از بسدسگال

به از عمر هفتاد و هشتاد سال